

بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین ایرانی

Investigating the Psychometric Properties of the Context-Specific Attributions Scale in Iranian Couples Conflicts

Saba Moghaddam

PhD student, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

Dr. Mohsen Kachooei *

Assistant Professor, University of Science and Culture, Tehran, Iran. kachooei.m@gmail.com

Dr. Hojat Allah Farahani

Assistant Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

سبا مقدم

دانشجوی دکتری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

دکتر محسن کچویی (نویسنده مسئول)

استادیار، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

دکتر حجت اله فراهانی

استادیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Abstract

The purpose of this research was to investigate the psychometric properties of the attributed traits scale specific to the situation in the conflicts of Iranian couples. The statistical population was married students of Tehran universities in 2023, of which 249 married students were selected based on available sampling. The research tools were the situation-specific attribute scale in couple conflicts (CSCS; Backer-Fulghum et al., 2016), the marital happiness scale (MHS; Arzin et al., 1973) and the marital conflict questionnaire (MCQ; Sanai, 2000). To check the validity and reliability of the scale, convergent and divergent validity were used by calculating Pearson's correlation, Cronbach's alpha test and binomial coefficient. The results showed that according to the calculated Cronbach's alpha (0.94) and dichotomization coefficient (0.93), the scale has good reliability. Based on the high correlation between CSCS and marital happiness scale ($r=-0.491$) and marital conflicts questionnaire ($r=0.532$), it can be said that this scale has favorable convergent and divergent validity. In order to check the construct validity, confirmatory factor analysis was performed and the validity of the scale was confirmed. The correlation coefficient of the retest CSCS was calculated to be significant and equal to 0.994. These results show that the Persian version CSCS has adequate validity and reliability, and as a result, couple therapists and psychotherapists can use it as a valid tool in working with Iranian couples.

Keywords: Context-Specific Attributions Scale, Factor Structure, Marital Conflicts, Reliability, Validity.

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین ایرانی بود. جامعه آماری دانشجویان متأهل دانشگاه های شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود که از این بین ۲۴۹ دانشجوی متأهل بر اساس نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین (CSCS؛ باکر-فولگهام و همکاران، ۲۰۱۶)، مقیاس شادکامی زناشویی (MHS؛ آرزین و همکاران، ۱۹۷۳) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ؛ ثنائی، ۱۳۷۹) بود. جهت بررسی روایی و پایایی مقیاس از روایی همگرا و واگرا از طریق محاسبه همبستگی پیرسون و آزمون آلفای کرونباخ و ضریب دوتیمه سازی استفاده شد. نتایج نشان داد با توجه به میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده (۰/۹۴) و ضریب دوتیمه سازی (۰/۹۳)، مقیاس از پایایی مناسبی برخوردار است. بر اساس همبستگی بالایی که بین مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین با مقیاس شادکامی زناشویی ($r=-0/491$) و پرسشنامه تعارضات زناشویی ($r=0/532$) وجود داشت می توان گفت این مقیاس روایی همگرا و واگرایی مطلوبی را داراست. جهت بررسی روایی سازه، تحلیل عامل تأییدی انجام و روایی مقیاس تأیید گردید. ضریب همبستگی بازآزمایی مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین معنی دار و برابر ۰/۹۹۴ محاسبه شد. این نتایج نشان می دهد که نسخه فارسی مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین روایی و پایایی مناسب را داشته و در نتیجه زوج درمانگران و روان درمانگران می توانند از آن به عنوان یک ابزار معتبر در کار با زوج های ایرانی استفاده کنند.

واژه های کلیدی: مقیاس صفات نسبت داده شده ی خاص موقعیت، تحلیل عاملی تأییدی، تعارضات زناشویی، پایایی، روایی.

مقدمه

تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی و ذاتی است و روابط زوجی نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ چراکه تعاملات مکرر و مختلف زوجین و وجود علایق و دیدگاه‌های مختلف به مسائل، زمینه تعارضات بی‌شمار را فراهم می‌آورد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱). این تعارضات عاملی استرس‌زا همراه با آثار مخرب آشکار و پنهان برای همه اعضای خانواده است (هیبل و مرکادو^۱، ۲۰۱۹). موضوعاتی که عموماً باعث تعارض و اختلاف‌نظر می‌شوند عبارت‌اند از شیوه‌های تربیت فرزند (گانو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹)، نقش‌های جنسیتی (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲)، کاهش صمیمیت (رسولی، ۱۳۹۶)، نوع رابطه با نحوه توزیع قدرت (افخمی‌پوستچی و علی‌دوستی، ۱۴۰۱) و نداشتن مهارت‌های ارتباطی (وان گلدرن^۳ و همکاران، ۲۰۱۹).

در پژوهش چانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۳) بیان شده است که تعارضات زناشویی می‌تواند از منابع مختلفی ناشی شود، از جمله استرس کاری، مسئولیت‌های خانگی، مسائل مالی، ارتباطات ضعیف، مشکلات صمیمیت و درگیری‌های مربوط به فرزندان و همسران و این درگیری‌ها می‌تواند منجر به پیامدهای منفی مانند افسردگی، اضطراب، افزایش تعارضات والد-فرزندی، تعارضات بین فرزندان و حتی مشکلات جسمی شود. برای زوج‌ها مهم است که این مسائل را از طریق ارتباط آزاد، سازش و در صورت نیاز جستجوی کمک حرفه‌ای حل کنند. با درک علل مشترک تعارضات زناشویی و همکاری با یکدیگر برای یافتن راه‌حل، زوج‌ها می‌توانند روابط خود را تقویت کرده و رفاه کلی خود را بهبود بخشند.

به‌صورت کلی فروپاشی روابط زوجی شایع‌ترین جلوه‌ی تعارض شدید ناشی از برچسب زدن و یکدیگر را مقصر دانستن است که ممکن است به‌ویژه در سال‌های آغازین پس از ازدواج رخ دهد (سو^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). از این‌رو، هنگامی که زوج‌ها دچار تعارض می‌شوند، اغلب بسته به این‌که شریک خود را در رخداد پیش‌آمده مقصر دانسته یا خیر، به دنبال انتساب نسبت‌های شناختی به او هستند (چندلر و لارنس^۶، ۲۰۲۲). انتسابات عنوان‌شده به دو صورت دسته‌بندی می‌گردند. دسته‌بندی اول انتساب صفات منفی کلی و پایدار است. این انتساب‌ها در موقعیت‌های مختلف یکسان هستند. مثلاً وقتی که یک نفر می‌گوید «وقتی دعوا می‌کنیم، همسر من همیشه مقصر است». دسته‌بندی دوم نسبت‌های خاص یک موقعیت است. این انتسابات به ارزیابی‌های شناختی اطلاق می‌شود که فرد در مورد رخداد خاصی درباره همسر خود انجام می‌دهد، مثلاً هنگامی که شخصی می‌گوید «در دعوی دیشب همسر من مقصر بود» (باکر-فولگهام^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). اسنادهای مذکور هم در کار درمانی و هم در تحقیقات مربوط به زوجین دارای اهمیت هستند (باکر-فولگهام و همکاران، ۲۰۱۸). چنانکه پژوهشگران با رویکردهای شناختی-رفتاری در زوج‌درمانی، به دنبال تعدیل و اصلاح انتساب اسناد ارتباطی هستند (دورتچی^۸ و همکاران، ۲۰۱۱) که از آن به‌عنوان یک تکنیک مستقل در یک دیدگاه سیستمی یا ادغام با رویکردهای دیگر در کار با زوج‌ها استفاده می‌کنند (گومز و تادرس^۹، ۲۰۲۳). چراکه پژوهش‌ها نشان می‌دهند انتساب اسنادی با میزان تعارض زوجین (دورتچی و همکاران، ۲۰۱۱)، ارتباطات منفی زوجین (گانو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۹)، میزان رضایت و پریشانی ارتباطی (تاشیرو و فریزر^{۱۱}، ۲۰۰۷) مرتبط است. از این روی اهمیت نیاز درمانگران بالینی به تغییر صفات نسبت داده‌شده در روابط و انتخاب اهداف مداخله و فرآیند درمان به ارزیابی صفات نسبت داده‌شده مشخص می‌شود، زیرا این صفات بر رفتارهای متعارض و عملکردهای زوجین تأثیر می‌گذارد (باکر-فولگهام و همکاران، ۲۰۱۸). در این میان تمیز قائل شدن بین نسبت‌های کلی و نسبت‌های خاص موقعیت جهت تعیین نوع مداخله درمانی در کار با زوج‌ها عاملی تعیین‌کننده است. بلانچارد^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهش خود این‌گونه عنوان می‌کنند که تأثیر برنامه‌های آموزش زوجین به‌وسیله ارزیابی نسبت‌های خاص موقعیت (به‌جای نسبت‌های کلی) به دلیل حساسیت بالاتر آن برای شناسایی تغییرات ایجادشده می‌تواند حائز

1 Hibbel & Mercado

2 Gao et al.

3 Van Gelderen

4 Chung

5 Su, T.

6 Chandler & Lawrence

7 Backer-Fulghum

8 Durtschi

9 Gomez & Tadros

10 Cao

11 Tashiro & Frazier

12 Blanchard

اهمیت به حساب آید. بنابراین و با توجه به مباحث ذکر شده نیاز مبرم جامعه برای رسیدن به حد بالای سلامت روان چه در ساختار خانواده و چه ساختارهای مرتبط با آن به واسطه‌ی ایجاد و فراهم نمودن ابزار مناسب و کاربردی برای تمامی روان‌درمانگران و پژوهشگران جلوه‌گر می‌شود. به علاوه تا کنون نیز در ایران ابزاری جهت سنجش صفات نسبت داده شده خاص زوجین ساخته نشده است؛ بدین ترتیب هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت در تعارضات زوجین بود.

روش

روش این پژوهش توصیفی و از نوع پیمایشی مقطعی برای اعتباریابی بود. جامعه آماری این مطالعه تمامی دانشجویان متأهل شهر تهران سال ۱۴۰۲ بودند. حجم نمونه‌های لازم برای تحلیل بدین گونه به دست آمد که به ازای هر سؤال ۱۵ تا ۲۰ نمونه در نظر گرفته شد (فتحی، ۱۳۹۸) و با این حساب حجم نمونه ۲۱۰ تا ۲۸۰ برآورد شد. نمونه نهایی که با معیارهای ورود مطابقت داشتند شامل ۲۴۹ فرد متأهل بودند که از آنجا که تهیه لیست از افراد جامعه به شکل تصادفی ممکن نبود، افراد نمونه به روش در دسترس و از طریق مراجعه به ۵ دانشگاه واقع در شهر تهران انتخاب شدند که دانشگاه‌ها عبارت‌اند از دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال و تهران جنوب و دانشگاه علامه طباطبایی. اطلاعات مربوط به ۳۱ نفر به دلیل مخدوش بودن مقیاس یا عدم هماهنگی با ملاک‌های ورود و خروج کنار گذاشته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش، گذشتن حداقل ۲ سال از ازدواج و زندگی زیر یک سقف بوده است و چنانچه پیش‌تر گفته شد معیار خروج مخدوش بودن مقیاس در نظر گرفته شد. در مطالعه حاضر، نسخه انگلیسی مقیاس «صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت» به روش پیش‌رونده-پس‌رونده^۱ به فارسی ترجمه‌شده و در این پژوهش مورداستفاده قرار گرفته است. همه شرکت‌کنندگان به‌طور فردی ملاقات شدند و توضیحات لازم در خصوص هدف پژوهش به ایشان داده شد و فرم رضایت‌نامه کتبی در اختیارشان قرار گرفت و این اطمینان داده شد که از اطلاعات داده‌شده در مقیاس به‌طور محرمانه نگهداری خواهد شد و به‌غیر از پژوهش در جای دیگری استفاده نمی‌شود. جهت تحلیل آماری، ابتدا مراحل بررسی روایی همگرا و واگرا و بررسی پایایی صورت پذیرفت. سنجش پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب دونیمه‌سازی و ضریب همبستگی آزمون-آزمون مجدد و روایی همگرا و واگرا با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. همچنین به‌منظور بررسی روایی سازه مقیاس، تحلیل عاملی تأییدی اجرا گردید. درنهایت داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس ۲۴ و نرم‌افزار آر تجزیه و تحلیل شد.

ابزار سنجش

مقیاس صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت در تعارضات زوجین (CSCS): مقیاس «صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت» که توسط باکر- فولگهام^۲ و همکاران (۲۰۱۸) ساخته و اعتبار یابی شده است، به این سؤال می‌پردازد که زوج‌ها به هنگام تعارض، به چه میزان شریکشان را در مورد موضوع تعارض، سرزنش و یا تبرئه می‌کنند. در این مقیاس شرکت‌کنندگان به ۱۴ مورد از صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت در تعارضات زوجین پاسخ دادند. موارد موجود در این مقیاس به‌طور خاص روی ارزیابی جنبه سرزنش-تبرئه نسبت به شخصی که یک ضرورت اخلاقی را نقض کرده، متمرکز شده است (فینچام و بردبری، ۱۹۹۲). این مقیاس شامل ۱۴ سؤال است که با لیکرت ۵ درجه‌ای (۱= کاملاً مخالف تا ۵= کاملاً موافق) نمره‌گذاری می‌شود. لازم به ذکر است که سوالات مربوط به سرزنش-تبرئه به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و امکان به دست آوردن یک نمره کلی را که بیانگر این است که صفات نسبت داده‌شده چه ویژگی دارد، ایجاد می‌کند. میزان پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ است. روایی این مقیاس نیز از طریق تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مؤلفه‌های اصلی تأیید شده است. در واقع آزمون و بررسی‌های اولیه در مورد ساختار عاملی تأییدی نشان داد که کل مجموعه ۱۴ موردی شامل یک عامل غالب است. در تجزیه و تحلیل مولفه اصلی، مولفه اول ۵۰ درصد از واریانس را توضیح داد، نمودار سنگ ریزه دارای ضریب شتاب ۱ بود و همه‌ی موارد بیش از ۰/۶۳ روی مولفه‌های اول بارگذاری شد. همچنین یک مدل رگرسیون عمومی (GRM)^۳ با استفاده از کل مجموعه ۱۴ موردی برآورد شد. نهایتاً در تجزیه و تحلیل مولفه‌های اصلی، مولفه اول ۵۶ درصد از واریانس را توضیح داد، نمودار سنگ ریزه دارای ضریب شتاب ۱ بود و همه‌ی موارد بیشتر از ۰/۶۴ در مولفه اول بارگذاری شد.

1 Forward-Backward

2 Context-Specific Attributions During Couples' Conflict Interactions Scale

3 Backer-Fulghum

4 General Regression Models

Investigating the Psychometric Properties of the Context-Specific Attributions Scale in Iranian Couples Conflicts

مقیاس شادمانی زناشویی (MHS):^۱ این مقیاس توسط آرزین^۲ و همکاران در سال ۱۹۷۳ به منظور اندازه‌گیری سطح شادمانی زناشویی تهیه شده است. این آزمون ده سؤالی ابتدا برای آزمون اثرات مشاهده‌ای تقابل اندازه‌گیری شد که یک رویکرد رفتاری در مشاوره زناشویی است. این مقیاس میزان کلی شادمانی زناشویی را با استفاده از شاخص‌های تک‌ماده‌ای کلی می‌سنجد. از هر پرسش می‌توان به‌عنوان یک شاخص مستقل برای شادمانی زناشویی در زمینه‌های خاصی از تعامل زناشویی استفاده کرد. برای به دست آوردن شاخص کلی شادمانی زناشویی می‌توان نمرات کل سؤالات را جمع کرد. در مقابل هر گزاره یک طیف از یک تا ده قرار دارد که پاسخ‌دهنده با توجه به گزاره، میزان شادمانی خود را در آن حیطه مشخص می‌کند. روایی همگرایی این مقیاس با مقیاس کیفیت روابط زناشویی اسپانیر ۰/۷۱ گزارش شد (آزین و همکاران، ۱۹۷۳). در ایران نیز امامی کله‌سر و رسولی (۱۳۹۶) پایایی این ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ محاسبه کرد. میزان پایایی این پرسشنامه به شیوه‌ی همسانی درونی (آلفای کرونباخ) در خارج از کشور در پژوهش هارینگ^۳ و همکاران (۲۰۰۳) ۰/۹۰ گزارش شد. همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ):^۴ این پرسشنامه یک ابزار ۴۲ سؤالی است که برای سنجش تعارضات زن و شوهری توسط ثنایی (۱۳۷۹) ساخته شده است. این مقیاس هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خانواده همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر است. در این مقیاس که شامل طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد، انتخاب گزینه‌های هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب، همیشه به ترتیب نمرات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ را در بر دارد. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس‌های آن، به دلیل همبستگی مناسب سؤالات هیچ سوالی حذف نشد (ثنایی، ۱۳۷۹). در این مقیاس همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس‌های این پرسشنامه برابر ۰/۹۰ به دست آمد و برای ۸ خرده مقیاس به صورت زیر بوده است: کاهش همکاری، ۰/۷۹؛ کاهش رابطه جنسی، ۰/۶۹؛ افزایش واکنش‌های هیجانی، ۰/۷۲؛ افزایش جلب حمایت فرزندان، ۰/۵۶؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، ۰/۸۰؛ کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، ۰/۸۰؛ و ۰/۶۹ کاهش ارتباط مؤثر (سلیمانی، ۱۳۹۲). آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۷۸۷ به دست آمد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر باهدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس صفات نسبت داده‌شده‌ی خاص موقعیت در تعارضات زوجین طراحی گردیده است. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۳/۸ سال (انحراف معیار ۳/۰۱) بود که ۱۳۴ نفر زن (۵۳/۸ درصد) و ۱۱۵ نفر مرد (۴۶/۲ درصد) بودند. علاوه بر این، ۶۴ نفر دارای مدرک تحصیلی کاردانی (۲۵/۷ درصد)، ۱۴۵ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (۵۸/۲ درصد) و ۴۰ نفر دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر (۱۶/۱ درصد) بودند.

جدول ۱. نتایج توصیفی مربوط به مقیاس‌های صفات نسبت داده‌شده‌ی خاص موقعیت، شادمانی زناشویی و تعارضات زناشویی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	
۲۴۹	۴۳/۵۸	۱۱/۸۵	مقیاس صفات نسبت داده‌شده موقعیت
۲۴۹	۷۶/۷۴	۱۳/۳۶	مقیاس شادمانی زناشویی
۲۴۹	۷۸/۲۸	۱۲/۹۹	پرسشنامه تعارضات زناشویی

در جدول ۱ مشخصه‌های آماری مقیاس صفات نسبت داده‌شده‌ی خاص موقعیت گزارش شده است. میانگین نمره کل مقیاس صفات نسبت داده‌شده‌ی خاص موقعیت ۴۳/۵۸ و انحراف استاندارد ۱۱/۸۵ بوده است.

1 Marital Happiness Scale (MHS)

2 Arzin

3 Haring

4 Marital Conflict Questionnaire (MCQ)

روایی: برای ارزیابی روایی همگرا و واگرایی مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت از پرسشنامه های تعارضات زناشویی و شادمانی زناشویی استفاده شد (جدول ۲). همبستگی مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت با پرسشنامه تعارضات زناشویی ($r = 0/532$)، $p = 0/0001$ و مقیاس شادمانی زناشویی ($r = -0/491$)، $p = 0/0001$ ، به ترتیب نشان دهنده روایی همگرا و واگرایی این مقیاس است.

جدول ۲. روایی همگرا و واگرایی مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت با مقیاس های شادمانی زناشویی و تعارضات زناشویی

مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت	پرسشنامه تعارضات زناشویی	مقیاس شادمانی زناشویی
مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت	۰/۵۳۲*	-۰/۴۹۱*
پرسشنامه تعارضات زناشویی	۱	-۰/۳۵۶*
مقیاس شادمانی زناشویی		۱

*معناداری در سطح ۰/۰۱

میانگین واریانس استخراج شده AVE برای مدل برابر است با ۰/۵۳۵. AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. کلاین (۲۰۱۵) معتقد است روایی همگرا زمانی وجود دارد که AVE از ۰/۵ بزرگ تر باشد؛ بنابراین AVE مدل حاضر از مقدار مطلوب برخوردار است.

اعتبار: برای بررسی اعتبار مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت، از آزمون آلفای کرونباخ و دونیمه سازی استفاده شد. مطابق جدول ۳ میزان کل آلفای کرونباخ به دست آمده برای مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت ۰/۹۴ به دست آمده است که بیانگر همسانی درونی بالای مقیاس می باشد.

جدول ۳. ضریب پایایی آلفای کرونباخ و ضریب دونیمه سازی مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت

تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ	ضریب دو نیمه سازی
۱۴	۰/۹۴	۰/۹۳

با توجه به میزان آلفای کرونباخ به دست آمده که میزان همبستگی بین سؤالات آزمون را نشان می دهد، می توان عنوان کرد سؤالات مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت از همسانی درونی بالایی برخوردار هستند. از روش دونیمه سازی نیز به منظور بررسی اعتبار مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت استفاده شد. در شیوه دونیمه سازی، با تقسیم سؤال های مقیاس به دودسته زوج و فرد و با استفاده از شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن-براون، مقدار این ضریب ۰/۹۳ برآورد شده است که نشان از اعتبار مقیاس با استفاده از این روش بوده است.

جدول ۴. ضریب همبستگی آزمون-آزمون مجدد مقیاس صفات نسبت داده شده خاص موقعیت

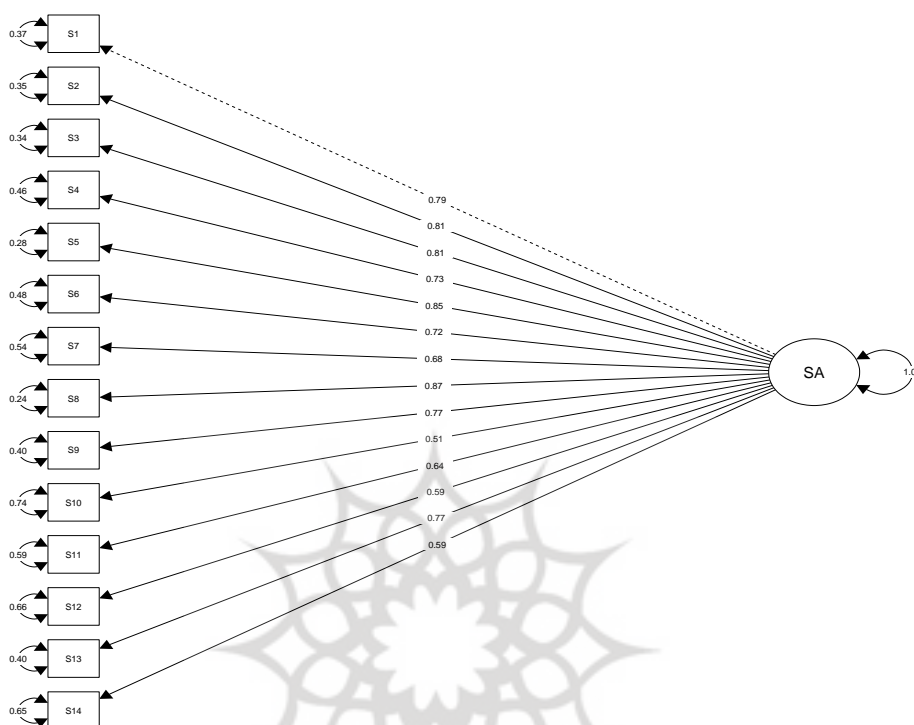
آزمون مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت	آزمون مجدد مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت
آزمون مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت	۱
آزمون مجدد مقیاس صفات نسبت داده شده موقعیت	۰/۹۹۴*

*معناداری در سطح ۰/۰۱

همچنین با توجه به سطح معنی داری آزمون همبستگی پیرسون میان متغیرهای آزمون-آزمون مجدد صفات نسبت داده شده خاص موقعیت معنادار و برابر ۰/۹۹۴ است که مقدار بسیار بالایی محسوب می شود.

Investigating the Psychometric Properties of the Context-Specific Attributions Scale in Iranian Couples Conflicts

تحلیل عاملی تأییدی: یکی از روش‌های بررسی روایی مقیاس اجرای تحلیل عاملی تأییدی است. در این روش مناسب بودن هر یک از سؤالات مقیاس در جهت اندازه‌گیری سازه موردنظر پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده کلیه ضرایب معنادار هستند و بنابراین مدل عاملی تأییدی می‌شود.



شکل ۱. مدل تحلیل عاملی تأییدی مقیاس صفات نسبت داده‌شده‌ی خاص موقعیت

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل

CMIN/DF	RMSEA	SRMR	GFI	AGFI	CFI	NNFI	NFI	IFI	
۲/۵۳۹	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۵	۰/۹۹۲	۰/۹۸۹	۱	۱	۰/۹۸۸	۱	مقدار مدل پژوهش
کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۰۸	کمتر از ۰/۹	بالای ۰/۹	بالای ۰/۹	بالای ۰/۹	بالای ۰/۹	بالای ۰/۹	بالای ۰/۹	میزان قابل قبول

در ارزیابی برازش مدل، مجذور خی یک شاخص رایج است که عدم معنی‌داری آن در سطح ۰/۰۵ نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است (هو و بنتلر^۱، ۱۹۹۹) که برای مدل حاضر سطح معنی‌داری آزمون خی برابر ۰/۴۸۸ شده است. خی دو نسبی (CMIN/DF) در مدل برابر ۲/۵۳۹ است و از آنجاکه کوچک‌تر از ۳ است، نشان‌دهنده مناسب بودن مدل می‌باشد. شاخص بعدی RMSEA است که اگر کوچک‌تر از ۰/۰۸ باشد بر برازش مطلوب مدل دلالت دارد (میرز^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). میزان محاسبه‌شده در مدل موردنظر معادل ۰/۰۰۰۱ و بیانگر برازش مطلوب مدل است. شاخص SRMR در صورتی که کوچک‌تر از ۰/۰۹ باشد حاکی از مناسب بودن مدل است که مقدار آن در پژوهش حاضر ۰/۰۵۵ می‌باشد. سایر شاخص‌های محاسبه‌شده از شاخص‌های نیکویی برازش که عبارت‌اند از GFI, AGFI, CFI, NFI, NNFI, IFI مقادیری بین ۰ تا ۱ را می‌توانند اتخاذ کنند که هر چه مقدار آن‌ها به ۱ نزدیک‌تر باشد مدل از برازش بهتری برخوردار است. این مقادیر در صورتی که بزرگ‌تر از ۰/۹ باشند بر برازش بسیار مطلوب و در صورتی که بزرگ‌تر از ۰/۸ باشند بر برازش مطلوب مدل دلالت

1 Hu and Bentler

2 Meyers, L. S

دارند (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). مقادیر محاسبه‌شده این شاخص‌های در پژوهش حاضر برای مدل موردنظر به ترتیب عبارت‌اند از ۰/۹۸۹، ۰/۹۹۲، ۰/۹۸۸، ۰/۱، ۱ که دلالت بر مطلوب بودن مدل به‌دست‌آمده دارند. کلیه نتایج محاسبه‌شده در جدول ۵ خلاصه‌شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس صفات نسبت داده‌شده خاص موقعیت در تعارضات زوجین بود. نتایج به دست آمده نشان داد این مقیاس پایایی و روایی مطلوب را داراست. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی بیانگر معناداری تمامی ضرایب بود که بدین واسطه مدل تحلیل عاملی تأیید شد؛ در واقع میزان محاسبه‌شده در مدل این پژوهش معادل ۰/۰۰۱ و بیانگر برازش مطلوب بود. این نتایج در مجموع با تفاوت‌های مشاهده شده بین همبستگی‌های مرتبط با تحقیقات قبلی در مورد اسناد و تعارضات، احساسات و نگرانی‌های متنوع از جمله تحقیقات باکر- فولگهام و همکاران (۲۰۱۸) و سانفورد (۲۰۱۰) مطابقت دارد. از طرفی در مطالعه‌ی باکر- فولگهام و همکاران (۲۰۱۸) در مدل مد نظر، اسناد صفات خاص موقعیت، از منظر هیجانی افراد را تحت تاثیر قرار داده و واریانس منحصر به فردی را در تمامی متغیرهای هیجانی (هیجانان سخت، هیجانان نرم، غفلت درک شده و تهدید درک شده) به جز هیجانان سطحی و حالت ابرازگری هیجانی خنثی به‌همراه داشته است. طبق پژوهش حاضر نیز، احساسات افراد شرکت‌کننده در مطالعه با اسناد صفات خاص موقعیتی در زوجین مرتبط بود و برازش مدل موجود مورد حمایت قرار گرفت. در رابطه با اسناد در روابط زوجین، یکی از مواردی که می‌توان در نظر گرفت، مقبولیت گزاره‌ای عمومی در روابط نزدیک می‌باشد، مبنی بر این که آنچه با زوجین از قربت برخوردار است، خودپنداره و عزت نفس بوده، به این صورت که تصور، شناخت و ادراک زوجین از من به ما تبدیل می‌شود (فلتچر و همکاران، ۱۹۹۰). یعنی به‌نحوی، نسبت دادن‌ها از حالت فردی به حالت زوجی در آمده و در ابعاد مثبت جلوه‌گر می‌شود. برای مثال ما خوشبختیم، ما به سمت آینده می‌رویم و موارد مشابه. با این حال می‌توان انتظار داشت که افزایش اسنادهای منفی و سرزنشی در رابطه‌ی زوجین، از توان الگوی ما شدن بکاهد و در نتیجه تعارضات و در کنار آن احساسات ناخشنودکننده را به زندگانی مشترک وارد کند. همچنین سطح تعارض و پریشانی بالا و عدم ثبات هیجانی می‌تواند فعال‌کننده‌ی سبک‌های اسنادی منفی مرتبط با صفت نسبت داده شده خاص موقعیت باشد. چنان‌که نتایج مطالعه‌ی باکر- فولگهام (۲۰۱۸) نشان داد افرادی که در روابط پریشان به سر می‌برند و درگیر تعارضات هستند، سطوح بالاتری از اسناد منفی را گزارش می‌کنند.

طبق نتایج مطالعه‌ی سانفورد (۲۰۱۰) متغیرهای هیجانی تهدید و غفلت درک شده با میزان رضایت و شادمانی از رابطه و تعارضات زوجی مرتبط هستند. تهدید درک شده به عنوان تصور کنترل و سرزنش شدن از جانب شریک زندگی قلمداد می‌شود و غفلت ادراک شده تصور شریک زندگی مبنی بر شکست خوردن در سرمایه‌گذاری که در زندگی مشترک به عنوان شریک داشته، می‌باشد. این تصورات می‌تواند به مثابه اسنادهای مستقیم و برجسته عمل کرده که متعاقباً فرد را درگیر احساسات و تعارضات می‌کند. در واقع هنگامی که افراد نگرانی‌های اساسی از جانب تهدید و غفلت درک شده تجربه می‌کنند، به احتمال زیاد ممکن است رفتار انعکاسی و احساسی را در پیش گیرند که تشدید ارتباط ادغام شده با تعارض را به همراه دارد (سانفورد، ۲۰۱۰). فارغ از بعد منفی، شواهد تحقیقات طولی حاکی از ارتباط علی اسنادها با هیجانان مثبت مانند شادی بوده است (فلتچر و همکاران، ۱۹۹۰). شرکای شاد اسنادی را تولید می‌کنند که کیفیت رابطه را بهبود بخشیده و منجر به پذیرش پیامدهای مثبت و رویدادهای مثبت می‌شود که در نتیجه درون الگوی اسنادی مثبت رابطه‌ای قرار می‌گیرند. در حالی که شرکای ناراضی با حفظ سطوح فعلی پریشانی خود، اسنادی را تولید می‌کنند که در آن تمایل دارند رفتارهای مثبت شریک خود را ناشی از ویژگی‌های درونی و پایدار قلمداد کنند و درون الگوی اسنادی منفی رابطه‌ای و تعارض قرار می‌گیرند. بنا بر این نتایج، می‌توان ادعان داشت که مقیاس حاضر از پتانسیل مطلوبی جهت تحقیقات آینده و کار بالینی با زوج‌ها برای شناخت هر چه بیشتر تعاملات تعارضی برخوردار است. باکر- فولگهام و همکاران (۲۰۱۸) با رفع ضعف‌های مطالعات گذشته، سعی در ایجاد این پرسشنامه داشته‌اند که در مجموع موفق شدند این مقیاس را در گویه‌های کوتاه طراحی کنند که وجه تمایز آن بررسی مولفه‌های تعامل تعارض در سطح صفات خاص موقعیت بود.

در مطالعه‌ی حاضر تفاوت جنسیتی محسوسی در نتایج یافت نشد، اما با این حال در هر دو مطالعه‌ی باکر- فولگهام و همکاران (۲۰۱۸) تفاوت جنسیتی قابل توجهی در نمرات اسناد وجود داشت؛ بدین صورت که زنان امتیاز بالاتری نسبت به مردان در این زمینه کسب کردند.

Investigating the Psychometric Properties of the Context-Specific Attributions Scale in Iranian Couples Conflicts

ممکن است تفاوت‌های فرهنگی در این زمینه دخیل باشد یا محدودیت‌های موجود در مطالعه‌ی حاضر یک دلیل باشد. این ایده‌ای است که می‌تواند در مطالعات آینده مورد توجه قرار گیرد. بر حسب نتایج به دست آمده از مطالعات ذکر شده، ایجاد ابزار مناسب به منظور رفع نگرانی‌ها و شناخت هر چه بیشتر از تعاملات و اسنادهای حاکم بر این تعاملات ضروری بود، به‌خصوص با تأکید بر این مساله که در کشور ما همچنان تا به حال ابزاری با این هدف ساخته و پرداخته نشده است.

از آنجا که جامعه آماری پژوهش حاضر فقط دانشجویان متأهل شهر تهران را در برمی‌گرفت، در نتیجه در تعمیم نتایج آن به نمونه‌های دیگر باید احتیاط شود. شرکت‌کنندگان در نمونه فعلی تنها در یک موقعیت واحد ارزیابی شدند که امکان سنجش آزمایشی آن نسبت به تغییراتی که در طول زمان و در زمینه‌های مختلف می‌تواند رخ دهد وجود نداشت؛ در نتیجه تحقیقات طولی مرتبط با این زمینه در آینده توصیه می‌شود. از جمله مزیت‌های مقیاس حاضر توانایی اندازه‌گیری برای ارزیابی تغییرات درون‌فردی است که آزمایش این مهم نیز در مطالعات آینده توصیه می‌شود. همچنین در این مطالعه بنا به تفاوت فرهنگی موجود، امکان استفاده از نمونه‌های متنوع زوجی وجود نداشت که این مورد در نتایج پژوهش سازندگان این مقیاس، آشکار و برای شرکایی که تجربه زندگی مشترک تحت چهارچوب‌های فرهنگ آمریکایی داشتند، نتایج متفاوت بود. به‌طور کلی ابزار حاضر می‌تواند مورد استفاده‌ی زوج‌درمانگران و پژوهشگران حیطه مرتبط با زوج قرار گیرد.

منابع

- افخمی‌پوستچی، م.، و علی‌دوستی، ف. (۱۴۰۱). نقش تعدیل‌گر سبک‌های حل تعارض در رابطه تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی. *مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*، ۲(۴)، ۱۸-۱. <https://doi.org/10.30495/iifs.2023.1973635.1056>
- ثانی، ب. (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: انتشارات بعثت. شابک: ۹۷۸۶۱۱۶۱۳۷.
- جمشیدی‌ها، غ.، صادقی‌فسایی، س.، و لولا‌آور، م. (۱۳۹۲). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران. *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*، ۵(۲)، ۱۸۳-۱۹۸. <https://doi.org/10.22059/jwica.2013.35100>
- رسولی، آ. (۱۳۹۶). تدوین الگوی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین. *نشریه پژوهش پرستاری ایران*، ۱۲(۴)، ۱-۸. <https://doi.org/10.21859/ijnr-1204>
- سلیمانی، ح. (۱۳۹۲). مقایسه ابعاد تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و طلاق غیر توافقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه هرمزگان. <https://elmnnet.ir/doc/10748056-10127>
- عیسی‌نژاد، ا.، احمدی، س. و اعتمادی، ع. (۱۳۸۹). اثربخشی غنی‌سازی روابط بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۱)، ۹-۱۶. <https://sid.ir/paper/129660/fa>
- فتحی‌آشتیانی، ع. (۱۳۹۸). *آزمون‌های روان‌شناختی*، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات بعثت. شابک: ۹۷۸۹۶۴۶۱۸۴۶۹۵.
- محمدی، ع.، ایمانی، س. و خوش‌کنش، ا. (۱۴۰۱). تعیین اثربخشی درمان مواجهه‌روایی بر اختلال استرس پس از سانحه و صمیمیت زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر. *زن و مطالعات خانواده*. <https://doi.org/10.30495/jwsf.2023.1972245.1767>
- Amato, P. R. (2005). The impact of family formation change on the cognitive, social, and emotional well-being of the next generation. *The future of children*, 75-96. <https://doi.org/10.1353/foc.2005.0012>
- Azrin, N. H., Naster, B. J., & Jones, R. (1973). Reciprocity counseling: A rapid learning-based procedure for marital counseling. *Behaviour research and therapy*, 11(4), 365-382. DOI: 10.1016/0005-7967(73)90095-8
- Backer-Fulghum, L. M., Anders, C., & Sanford, K. (2018). Assessing context-specific attributions during couples' conflict interactions. *Assessment*, 25(6), 801-812. <https://doi.org/10.1177/1073191116662909>
- Blanchard, V. L., Hawkins, A. J., Baldwin, S. A., & Fawcett, E. B. (2009). Investigating the effects of marriage and relationship education on couples' communication skills: a meta-analytic study. *Journal of family psychology*, 23(2), 203. <https://doi.org/10.1080/03630242.2020.1824955>
- Cao, H., Yuan, X., Fine, M., Zhou, N., & Fang, X. (2019). Neuroticism and marital satisfaction during the early years of Chinese marriage: The mediating roles of marital attribution and aggression. *Family Process*, 58(2), 478-495. <https://doi.org/10.1111/famp.12356>
- Chandler, A. B., & Lawrence, E. (2022). Covariations among attachment, attributions, self-esteem, and psychological aggression in early marriage. *Journal of Family Psychology*, 36(1), 46. <https://doi.org/10.1037/fam0000842>
- Chung, G. S. K., Chan, X. W., Lanier, P., & Wong, P. Y. J. (2023). Associations between Work-Family Balance, Parenting Stress, and Marital Conflicts during COVID-19 Pandemic in Singapore. *Journal of Child and Family Studies*, 32(1), 132-144. <https://doi.org/10.1007/s10826-022-02490-z>
- Durtschi, J. A., Fincham, F. D., Cui, M., Lorenz, F. O., & Conger, R. D. (2011). Dyadic processes in early marriage: Attributions, behavior, and marital quality. *Family relations*, 60(4), 421-434. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2011.00655.x>

- Fincham, F. D., & Bradbury, T. N. (1992). Assessing attributions in marriage: The Relationship Attribution Measure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(3), 457. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.62.3.457>
- Fletcher, G. J., Fitness, J., & Blampied, N. M. (1990). The link between attributions and happiness in close relationships: The roles of depression and explanatory style. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), 243-255. <https://doi.org/10.1521/jscp.1990.9.2.243>
- Gao, M., Du, H., Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2019). Marital conflict behaviors and parenting: Dyadic links over time. *Family relations*, 68(1), 135-149. <https://doi: 10.1111/fare.12322>
- Gomez, E., & Tados, E. (2023). A Cognitive Behavioral Family Therapy Approach: The Impact of Divorce on a Hispanic Adolescent with an Eating Disorder. *The Family Journal*. <https://doi.org/10.1177/10664807231163244>
- Haring, M., Hewitt, P. L., & Flett, G. L. (2003). Perfectionism, coping, and quality of intimate relationships. *Journal of Marriage and Family*, 65(1), 143-158. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2003.00143.x>
- Hibel, L.C., & Mercado, E. (2019). Marital Conflict Predicts Mother-to-Infant Adrenocortical Transmission. *Child Development*, 90(1), e80–e95. <https://doi: 10.1111/cdev.13010>
- Hu, L. t., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*, 6(1), 1- 55. <https://doi.org/10.1080/10705519909540118>
- Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and family living*, 21(3), 251-255. <https://doi.org/10.2307/348022>
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied Multivariate Research: Design and Interpretation*. SAGE Publications. 1506329764, 9781506329765
- Sanford, K. (2010). Perceived threat and perceived neglect: Couples' underlying concerns during conflict. *Psychological assessment*, 22(2), 288. <https://doi.org/10.1037/a0018706>
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 15-28. <https://doi.org/10.2307/350547>
- Su, T., Ledermann, T., & Fincham, F. (2023). Does covenant marriage predict latent trajectory groups of newlywed couples?. *Personal Relationships*, 30(1), 278-295. <https://doi.org/10.1111/per.12462>
- Tashiro, T., & Frazier, P. (2007). The causal effects of emotion on couples' cognition and behavior. *Journal of Counseling Psychology*, 54(4), 409. <https://doi:10.1037/0022-0167.54.4.409>
- Van Gelderen, S., Engebretson, A., Miller, A., Hancock, A., Ehmke, S., Swan, M., & Garrow, A. (2019). A family-care rubric: developing family care and communication skills using simulation. *Clinical Simulation in Nursing*, 36, 47-58. <https://doi.org/10.1016/j.ecns.2019.07.006>





شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی